فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۸- صفحات ۲۰۹ - ۱۹۵

تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد[۱]

مهناز سرخوندی[۲]
کیومرث سهیلی[۳]
شهرام فتاحی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

چکیده

از جمله مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت‌ها،کنترل وضعیت نابرابری درآمد است. امروزه سیاست‌های پولی دولت بر توزیع عادلانه درآمد بسیار اثرگذار است. بنابراین در این پژوهش به بررسی تأثیر سیاست پولی دولت بر توزیع درآمد با استفاده از حداقل مربعات معمولی پرداخته شده است. بازه زمانی مورد پژوهش در این پژوهش، سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۹۶ است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه تأثیرپذیری توزیع درآمد از سیاست پولی تأیید می‌شود و از طریق افزایش توان تولید است که می‌توان فقر را کاهش داد.

واژگان کلیدی: سیاست پولی، توزیع درآمد، ضریب جینی
طبقه‌بندی JEL: C32, E52

---

۱. این مقاله از پایان‌نامه دکتری خانم مهناز سرخوندی با راهنمایی دکتر کیومرث سهیلی و مشاوره دکتر شهرام فتاحی در دانشگاه رازی کرمانشاه استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه رازی m.sorkhvandi@yahoo.com
۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) qsoheily@yahoo.com
۴. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، دانشگاه رازی sh_fatahi@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

مقدمه

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از این‌رو یکی از وظایف اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

ضمن اینکه نظریات امروزی اقتصاد کلان، حتی در نظام‌های سرمایه‌داری غرب که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار در اقتصاد هستند، هنگام مواجهه با مسائلی که دست نامرئی قادر به حل آنها نیست، اهمیت نقش دولت در امور اقتصادی را هرچه بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهند. دولت‌ها هم برای ایفای نقش در امور اقتصادی با توجه به وضعیت خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، از سیاست‌های اقتصادی مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از عمده‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت سیاست‌های پولی[1] هستند که البته با دخالت بانک مرکزی و از طریق تغییر در تقاضای کل، اثرات خود را به اقتصاد منتقل می‌کنند (شاکری، ۱۳۸۲).

سیاست‌های پولی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نمایدکه باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰). در این مقاله ابتدا به مبانی نظری و سپس به پیشینه‌های تحقیق، الگو تحقیق و روش‌های برآورد پرداخته شده است. در ادامه داده‌ها و نتایج تجربی و نتیجه‌گیری حاصل از تحقیق بررسی شده است. و در نهایت منابع مورد استفاده در تحقیق بیان شده‌اند.

۱. مبانی نظری

هنگامی که آدام اسمیت[2] درصدد بر آمد که اندیشه‌های خود در مورد توسعه اقتصادی را نظم بخشد، عنوان ثروت ملل[3] را برای آن برگزید. اما گفته می‌شود که اگر آدام اسمیت می‌خواست همین موارد را در زمان حاضر شرح دهد، به احتمال بسیار زیاد در عنوان کتاب خود در کنار ثروت به فقر هم اشاره می‌کرد. فقر و توزیع درآمد موضوعاتی هستند که امروزه اقتصاددانان بیش از ثروت نگران آن هستند. نگرانی نسبت به فقر و توزیع درآمد به‌عنوان اجزاء جدایی ناپذیر جریان توسعه طی سال‌های دهه ۱۹۷۰ مقبولیت گسترده‌ای یافت. درحالی‌که استراتژی اولین دهه توسعه سازمان ملل (۷۰- ۱۹۶۱) قبل از هرچیز نگران رشد اقتصادی بود، استراتژی دهه دوم (۸۰-۱۹۷۱) گرایش به روندی را منعکس می‌ساخت که توزیع درآمد را با رشد اقتصادی به‌عنوان اهداف توسعه شریک

1. Monetary policy
2. Adam Smith
3. The wealth of nations

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

می‌ساخت. اما توزیع مجدد درآمد منوط به حضور دولت است (شاکری،۱۳۸۲). کوزنتس[1] در سال ۱۹۵۵ با بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد، پایه‌گذار بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد شد. نتایج تحقیق وی حاکی از آن بود که در مراحل اولیه‌ی رشد اقتصادی، توزیع درآمد نابرابر می‌گردد، درحالی‌که با ادامه‌ی رشد اقتصادی و در بلندمدت این نابرابری کمتر می‌شود. این مسأله از سوی بسیاری از محققان مورد رد یا تأیید قرار گرفت. گسترش ادبیات موضوع، به نقش دولت نیز در این خصوص رسید (سامتی، خانزادی، یزدانی، ۱۳۸۸). امروزه، اهمیت نقش دولت در مسئله توزیع درآمد به حدی است که تقریباً تمامی اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. مضافاً این که، نظریات امروزی اقتصاد کلان- حتی در نظام‌های سرمایه‌داری غرب که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار در اقتصاد هستند- هنگام مواجهه با مسائلی که دست نامرئی قادر به حل آنها نیست، اهمیت نقش دولت در امور اقتصادی را هرچه بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهند (شاکری،۱۳۸۲).

دولت‌ها هم برای ایفای نقش در امور اقتصادی با توجه به وضعیت خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، از سیاست‌های اقتصادی مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از عمده‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت سیاست‌های پولی هستند که البته با دخالت بانک مرکزی و از طریق تغییر در تقاضای کل، اثرات خود را به اقتصاد منتقل می‌کنند (شاکری،۱۳۸۲).

۲. پیشینه تحقیق

تانینن[2] (۱۹۹۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق، یک رابطه‌ی منفی بین نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی برقرار است که در واقع مطابق با نتایج مطالعات قبلی در این زمینه است. اما در این تحقیق تانینن بیان کرده است که در صورت وجود نابرابری درآمدی بالا در یک اقتصاد، اجرای سیاست‌های مالی با دولت منجر به افزایش تقاضا برای توزیع مجدد درآمد می‌گردد و چون دولت برای تأمین مالی سیاست اجرایی خود مجبور به افزایش مالیات‌های اختلال‌زا می‌گردد. از این رو، تخصیص بهینه‌ی منابع در این حالت از بین خواهد رفت و منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. بنابراین، وی نتیجه گرفته است که بین مخارج دولت که از طریق اجرای سیاست‌های مالی صورت می‌پذیرد و رشد اقتصادی، یک رابطه‌ی غیرخطی وجود دارد به نحوی که در سطوح پایین مخارج دولت این ارتباط مثبت بوده است؛ اما در سطوح بالا این ارتباط منفی خواهد بود.

1. Kuznets
2. Tanninen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

چو، داودی و گوپتا[1] (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که هرچند کشورهای درحال توسعه برخلاف کشورهای صنعتی، قادر به استفاده از سیاست‌های مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی برای کاهش نابرابری نبوده اند، اما توزیع درآمد قبل از مالیات در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی، نابرابری به نسبت کمتری دارد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش نابرابری درآمد را تجربه کرده‌اند. برنامه‌های بهداشت و آموزش ابتدایی و مبا¬ه¬ی دولت در کشورهای در حال توسعه خوب هدف‌گذاری نشده‌اند، اما روند کلی آنها رو به بهبود بوده است.

شان[2] (۲۰۰۲) در قالب یک الگو خود رگرسیون‌برداری (VAR) اثرات عملکرد اقتصاد کلان (متغیرهایی چون عرضه‌ی پول، مخارج دولت، تورم و بیکاری) بر نابرابری درآمدی را بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مخارج دولت و بیکاری در برابر عوامل کلان اقتصادی دیگر، منابع مهم‌تری برای تغییر پراکندگی درآمد هستند.

بک و همکاران[3] (۲۰۰۴) داده های تابلویی وسیعی شامل ۵۲ کشور توسعه یافته و در حال توسعه را بین سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۹ برای آزمون فرضیه بالا مورد استفاده قرار دادند . براساس یافته‌های ایشان، نابرابری توزیع درآمد در کشورهای با توسعه مالی بالاتر، به طور نسبی با شدت بیشتری کاهش می‌یابد و توسعه واسطه‌های مالی نابرابری درآمد را به وسیله افزایش در درآمد افراد فقیر کاهش می‌دهد.

لیانگ[4] (۲۰۰۶) برای آزمون ارتباط توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد، اطلاعات مربوط به ۲۹ استان چین را در دوره ۱۹۸۶- ۲۰۰۰ به‌عنوان نمونه انتخاب کرده است. وی در این پژوهش نابرابری را در بخش شهری کشور چین بررسی نموده است. براساس نتایج به‌دست آمده، توسعه مالی در کشور چین به شکل معن اداری در کاهش نابرابری شهری مؤثر بوده است.

آنگ[5] (۲۰۱۰) رابطه بخش مالی و نابرابری را در کشور هند و با توجه به داده‌های سری زمانی این کشور در دوره ۱۹۵۱-۲۰۰۳ بررسی می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد که حتی با در نظر گرفتن شاخص‌های متفاوت توسعه مالی، توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد داشته است.

کوبین و همکاران[6] (۲۰۱۲) به بررسی تأثیرات شوک‌های سیاست پولی و نقش تاریخی آنها در مصرف و نابرابری درآمد در ایالات متحده از سال ۱۹۸۰ به وسیله نظرسنجی هزینه‌های مصرف

1. Chu. Davoodi and Gupta
2. Shan
3. Beck. et al
4. Liang
5. Ang
6. Coibion O., Y. Gorodnichenko, L. Kueng and Silvia, J

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

کننده پرداختند. سیاست‌های تضعیف پولی به طور سیستماتیک نابرابری را در درآمد کار، درآمد کل، مصرف و کل هزینه‌ها افزایش می دهد. علاوه بر این، شوک‌های سیاست پولی، به‌عنوان یک تغییرات دوره‌ای تاریخی در نابرابری درآمد و مصرف برخی از کانال‌های مختلف را که از طریق آن شوک‌های سیاست پولی بر نابرابری‌ها اثر می‌گذارند، را پیدا کردند و همچنین با استفاده از این کانال‌ها به ماهیت تغییر در سیاست پولی پرداختند.

سایکی و فرست[1] (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر سیاست پولی بر نابرابری در ژاپن با استفاده از الگو VAR پرداختند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که سیاست پولی نامتعارف نابرابری درآمدی را افزایش داده است.

فورسریا، لانگانیا و زدزینیسکا[2] (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر شوک‌های سیاست پولی بر نابرابری بر روی ۳۲ کشور پیشرفته و نوظهور پرداختند. نتایج پژوهش‌های آنها نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی انقباضی به طور مبا افزایش نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد، همچنین اثر نامتقارن سیاست، نابرابری را افزایش می‌دهد.

ممتاز و دفیلوپوالو[3] (۲۰۱۷) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا شوک‌های سیاست پولی در توضیح این افزایش نابرابری نقش دارند یا خیر پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که شوک‌های سیاست‌های انقباضی پولی منجر به افزایش درآمد، نابرابری درآمد و مصرف می‌شود و به نوسان آنها کمک می کند، پاسخ درآمد و مصرف در معادلات مختلف نشان می‌دهد که سیاست‌های انقباضی تأثیر منفی بیشتری بر خانواده‌های کم‌درآمد و کسانی که دست کم در مقایسه با افرادی که در بالای توزیع هستند مصرف می‌کنند. همچنین شواهد نیز نشان می‌دهد که سیاست کاهش تساوی ممکن است به افزایش نابرابری در اثر رکود بزرگ کمک کند.

داوتیان (۲۰۱۷) اثر توزیعی سیاست پولی را برای ایالات متحده ارزیابی می‌کند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که سیاست پولی انقباضی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. این نتایج می‌تواند پیامدهای مهمی برای طراحی سیاست‌هایی برای کاهش داشته باشد.

ابونوری (۱۳۷۶) در مقاله‌ی خود که برای دوره‌ی ۱۳۷۰-۱۳۵۰ انجام شده است، به این نتیجه رسید که عوامل نسبت اشتغال و بهره‌وری کار آثار کاهشی بر سطح نابرابری داشته‌اند، ولی عوامل تورم، سهم نسبی درآمد شخصی از تولید ناخالص داخلی، مبا کل مالیات‌های دریافتی از هر خانوار و هزینه‌ی دولت برای هر خانوار، آثار افزایشی بر توزیع درآمد داشته و آن را نابرابرتر نموده است.

1. Saiki, A. and Frost, J
2. Furceri , D, Loungani, P,. & Zdzienicka, A
3. Mumtaz, H. and Theophilopoulou, A

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

نیلی (۱۳۷۷) در بررسی فرضیه‌ی کوزنتس در ایران به این نتیجه دست می‌یابد که رشد اقتصادی و توزیع درآمد با جهت‌گیری علی دوطرفه، حرکتی هم جهت دارند. رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود، ضمن آنکه بیکاری و تورم، وضعیت توزیع درآمد را نامطلوب‌تر می‌نماید. بدتر شدن توزیع درآمد نیز کندی رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. در این تحقیق نشان داده شده است که حلقه‌ی میانی توزیع درآمد و رشد اقتصادی، مخارج دولت است. نامطلوب شدن توزیع درآمد، افزایش مخارج دولت را در پی دارد و افزایش مخارج دولت، موجب کاهش رشد اقتصادی می شود. از نظر محققان، فراهم آوردن شرایط رشد پایدار اقتصادی که ضروری‌ترین اقدام در جهت کنترل مشکل انفجار بیکاری است، نه تنها برای توزیع درآمدها زیان‌آور نیست، بلکه موجب بهبود آن نیز می‌شود.

پروین و زیدی (۱۳۸۰) با استفاده از شبیه‌سازی سیاست‌ها با یک الگو کلان اقتصاد سنجی، اثرات سیاست‌های تعدیل بر نابرابری را بررسی نموده‌اند. طبق نتایج تحقیق، اجرای سیاست‌های جاری در مقایسه با اهداف برنامه، تأثیر کمتری بر نابرابری دارد، درحالی‌که سیاست‌های تعدیل باعث افزایش نابرابری در جامعه شده است. بیشترین نابرابری ایجاد شده مربوط به نرخ ارز و کمترین نابرابری ایجاد شده مربوط به افزایش مخارج اسمی دولت بوده است. البته تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل، در مقایسه با اجرای اهداف برنامه، باعث افزایش کمتر نابرابری درآمد می‌شود. دلیل این امر ادامه‌ی اعمال سیاست‌های حمایتی دولت و عدم تغییر نرخ ارز است.

جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) تأثیر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که سرانه‌ی تولید را طی سال‌های ۸۰- ۱۳۴۷ ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، درآمدهای مالیاتی و مخارج سرمایه‌ای اثر مثبت بر توزیع درآمد داشته‌اند، درحالی که تورم، بیکاری، درآمدهای نفتی و مخارج جاری دولت اثر منفی بر توزیع درآمد داشته و وضعیت را بدتر کرده‌اند.

داوودی و براتی (۱۳۸۵) در مقاله خود به بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد پرداختند. هدف این مقاله شبیه‌سازی آثار سیاست‌های مختلف اقتصاد کلان بر توزیع درآمد با تأکید بر آثار سیاست‌های پولی و ارزی است. این عمل با استفاده از پیوند یک الگو اقتصاد کلان سنجی با یک شبیه‌سازی خرد که الگوسازی کلان به خرد نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد. شبیه سازی موردنظر برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد، که سیاست افزایش درآمدهای دولت منجر به کاهش در نابرابری می‌شود. مقدار حساسیت ضریب جینی برای سیاست‌های افزایش درآمدهای نفتی و مالیاتی مستقیم و مالیاتی غیرمستقیم به ترتیب در حدود ۰/۰۱، ۰/۰۲و ۰/۰۵ درصد بوده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

آرانی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد پرداختند. نتایج تحقیق با استفاده از یک الگوی خود توضیح نشان می‌دهد که تأثیر سیاست پولی بر توزیع درآمد در ایران در کوتاه VAR برداری مدت، میان‌مدت و بلندمدت متفاوت است. افزایش حجم پول به‌عنوان معیار سیاست پولی، بلافاصله موجب افزایش نابرابری درآمدی نمی‌شود، بلکه از سال دوم به بعد اثرات تشدیدکننده‌ی نابرابری سیاست انبساطی پولی آغاز می‌شود و در دوره‌های بعد تداوم می‌یابد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه پرداختند. برای بررسی کمی رابطه مذکور، با استفاده از یک الگوی رگرسیونی مبتنی بر داده‌های تابلویی متشکل از ۴۰ کشور در حال توسعه و با استفاده از شاخص‌های بی‌ثباتی مختلف و ضریب جینی، رابطه‌ی مستقیم میان بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و نابرابری درآمد را مورد آزمون قرار داده‌ایم. نتایج بدست آمده از برآورد الگو نشان می‌دهد که افزایش بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان موجب افزایش ضریب جینی می‌گردد و نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد.

کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی با استفاده روش دست‌کم مربعات و روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتبط پرداختند، نتایج حاصل از برآورد الگو شاخص جینی نشان داد متغیرهای تورم، بیکاری، مخارج دولت و نسبت سهم ۱۰ درصد گروه درآمدی بالا به ۱۰ درصد فقیر روی نابرابری تأثیر منفی داشته و با افزایش یارانه کالاهای اساسی و سهم ۴۰ درصد فقیر نابرابری بهبود می‌یابد. به‌منظور تجزیه و تحلیل دقیق‌تر تأثیر متغیرها بر نابرابری از الگوی عوامل مؤثر بر بیستک‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از این الگو نشان داد که افزایش نرخ تورم، نرخ بیکاری، یارانه کالاهای اساسی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر به نفع بیستک‌های با درآمد بالا بوده و به افزایش نابرابری منجر می‌شود و افزایش در سهم ۴۰ درصد فقیر به نفع بیستک‌های با درآمد پایین بوده و به کاهش نابرابری می انجامد.

کرمی و مردانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران پرداختند. از جمله نتایج آن می‌توان گفت فقر و نابرابری درآمد در طی برنامه‌های توسعه تا حدودی کاهش یافته است. همچنین نتایج نشان داد که با افزایش نابرابری و نرخ مشارکت اقتصادی درصد خانوارهای فقیر افزایش یافته است، اما افزایش نرخ پس‌انداز شدیداً متغیر سرانه فقر را کاهش داده است و اثر رشد اقتصادی بر فقر بسیار ناچیز است.

موتمنی (۱۳۹۴) به بررسی اثر نوسانات رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران با استفاده از رگرسیون هم‌جمعی کانونی پرداخت. نتیجه برآورد نشان از از وجود رابطه‌ی معنادار و بلندمدت بین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

دو متغیر است، به نحوی که با افزایش نوسانات رشد اقتصادی، نابرابری درآمد نیز بیشتر می‌شود. با مقایسه دور، مشخص می‌شود که این رابطه تحت تأثیر عدم‌تقارن نوسانات قرار نمی‌گیرد. این نتیجه نشان می‌دهد که سطح و علامت رشد اقتصادی نمی‌تواند توضیح کافی در مورد توزیع درآمد داشته باشد. به‌عبارتی مثبت و یا منفی بودن رشد اقتصادی به تنهایی نقشی در توزیع درآمد ندارد. اما افزایش یا کاهش رشد اقتصادی درصورتی‌که منجر به تحریک نوسانات شود، تشدید نابرابری درآمد را به همراه خواهد داشت.

حسین‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده رهیافت اقتصادسنجی فضایی پرداخت. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان می‌دهد رشد اقتصادی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نابرابری توزیع درآمد بوده درحالی‌که مجذور رشد اقتصادی دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نابرابری توزیع درآمد است. بنابراین فرضیه کوزنتس در کشورهای مورد نظر تأیید می‌شود. همچنین سرمایه انسانی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد بوده و تراکم جمعیت نیز نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد.

۳ .الگو تحقیق

در این تحقیق از داده‌های آماری سری زمانی ۱۳۹۲-۱۳۵۳ استفاده شده است. کلیه آمار و اطلاعات متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در تحقیق (ضریب جینی، نرخ بیکاری، حجم نقدینگی، شاخص قیمت‌ها، تولید ناخالص داخلی واقعی) از اسناد رسمی منتشر شده با بانک مرکزی و مرکز آمار ایران به‌دست آمده است. برای انجام محاسبات کامپیوتری از نرم افزارهای Excel، Eviews6 استفاده گردیده است. در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر سیاست پولی بر توزیع درآمد از فرم یک معادله به شکل زیر استفاده شده است:

$$GINI= C+ GDP+ INF+ UN+ M2+ GINI(-1) \quad (۹)$$

در رابطه فوق از GINI ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد، نرخ رشد حجم نقدینگی M2 به‌عنوان معیاری از سیاست پولی و تولید ناخالص داخلی واقعیGDP استفاده شده است. از طرفی می‌توان گفت به‌طور کلی متغیرهایی که بر روی هزینه و درآمد خانوارها تأثیر می‌گذارند بر روی ضریب جینی نیز اثر گذارند. دو متغیر مهم و تأثیرگذار بر هزینه و درآمد خانوارها تورم و بیکاری است. بنابراین در رابطه فوق از نرخ تورم INF و بیکاری UN نیز استفاده شده است.

برای تولید ناخالص داخلی از اطلاعات تولید ناخالص داخلی براساس سال پایه ۱۳۸۳ منتشره از بانک مرکزی استفاده شده است.

برای متغیر نرخ تورم از شاخص قیمت مصرف کننده استفاده شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۴. داده‌ها و نتایج تجربی

۴-۱. آزمون مانایی[1] (ریشه واحد)

استفاده از روش‌های معمول اقتصادسنجی در کارهای تجربی مبتنی بر فرض ایستایی متغیرهای سری زمانی موجود در الگو می‌باشد. اغلب متغیرهای اقتصاد کلان، دارای یک روند تصادفی یا به عبارتی ریشه‌ی واحد هستند که با یک یا چند بار تفاضل‌گیری، روند مذکور حذف می‌شود. وجود چنین روندی، تخمین و استنباط‌های آماری به روش‌های اقتصادسنجی سنتی را غیرمعتبر می‌سازد و رگرسیون کاذب ایجاد می‌شود (نوفرستی، ۱۳۷۸). از این‌رو قبل از استفاده از متغیرهای سری زمانی لازم است نسبت به ایستایی یا ناایستایی آن اطمینان حاصل کرد. برای دستیابی به ایستایی یا ناایستایی متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در الگو از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF) استفاده شده است.

جدول۱. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) در سطح متغیرها

نام متغیر	مقدار محاسبه شده	مقادیر بحرانی			نتیجه پایایی
		در سطح ٪۱	در سطح ٪۵	در سطح ٪۱۰	
ضریب جینی	۳/۲۳	۳/۵۹	۲/۹۳	۲/۶۰	در سطح ٪۵ ٪۱۰ پایا
تولید ناخالص داخلی واقعی	۱/۰۱	۳/۵۸	۲/۹۲	۲/۶۰	نا پایا
نرخ رشد حجم نقدنگی	۵/۸۶	۳/۵۹	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا
تورم	۴/۶۷	۳/۵۹	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا
بیکاری	۴/۲۳	۳/۶۱	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا

مأخذ: محاسبات پژوهش

1. Stationary Test

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

در این پژوهش چون قدر مطلق آماره آزمون تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی از قدر مطلق کمیت بحرانی در آزمون ایستایی دیکی فولر تعمیم‌یافته کوچکتر است با یک مرتبه تفاضل آزمون را انجام خواهیم داد.

جدول۲. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF) با یک مرتبه تفاضل

نام متغیر	مقدار محاسبه شده	مقادیر بحرانی			نتیجه پایایی
		در سطح ٪۱	در سطح ٪۵	در سطح ٪۱۰	
ضریب جینی	۸/۰۷	۳/۵۹	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا
تولید ناخالص داخلی واقعی	۶/۱۸	۳/۵۹	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا
نرخ رشد حجم نقدینگی	۷/۹۷	۳/۶۰	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا
تورم	۶/۶۳	۳/۶۰	۲/۹۳	۲/۶۰	پایا
بیکاری	۶/۳۹	۳/۶۱	۲/۹۴	۲/۶۰	پایا

مأخذ: محاسبات پژوهش

همان‌طور که مشاهده می‌شود با یک مرتبه تفاضل متغیرها قدر مطلق آماره آزمون از قدر مطلق کمیت بحرانی در آزمون ایستایی دیکی فولر تعمیم‌یافته بزرگتر است، نتیجه گرفته می‌شود که همه متغیرهای الگو با یک مرتبه تفاضل پایا هستند.

۴-۲. تصریح و برآورد الگو به روش حداقل مربعات معمولی

برای بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد از روش حداقل مربعات معمولی استفاده خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

جدول۳. نتایج آزمون حداقل مربعات معمولی

/Prob	Error/Std	Coefficient	
۰/۰۱۰	۰/۰۶۵	۰/۱۷۷	C
۰/۰۴۴	۰/۰۰۰۰۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۱۴	GDP
۰/۲۶	۰/۰۰۰۳۲	-۰/۰۰۰۳۶	INF
۰/۶۱	۰/۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۶۹	UN
۰/۰۶	۰/۰۳۸۸	۰/۰۷۳۳	M2
۰/۰۰	۰/۱۱۳۳	۰/۵۹۷	GINI(-1)

مأخذ: محاسبات پژوهش

همان‌طور که از جدول مشخص است، تأثیر حجم نقدینگی به‌عنوان معیار سیاست‌های پولی، تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی باوقفه معنی‌دار و ضرایب متغیرهای تورم و بیکاری بی‌معنی هستند و سیاست‌های پولی، تورم و بیکاری علامت منفی دارند. این نتایج نشان می‌دهد که هنگامی ضریب جینی و در نتیجه نابرابری کم یا زیاد باشد نرخ تورم و بیکاری تأثیر معنی‌داری بر کاهش یا افزایش نابرابری ندارد ولی سیاست پولی و تولید ناخالص داخلی هنگامی که ضریب جینی زیاد و توزیع درآمد نامتعادل است تأثیر منفی دارد. به این معنی که با افزایش تولید ناخاص داخلی باعث کاهش نابرابری خواهد شد. همچنین میزان نابرابری دوره گذشته اثر مثبت بر ضریب جینی دوره دارد به‌طوری که با افزایش یا کاهش نابرابری دوره گذشته، نابرابری دوره جاری نیز افزایش یا کاهش پیدا خواهد کرد.

۵. نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمد است، به این ترتیب دولت‌ها باید به منظور کاهش نابرابری، چگونگی تغییرات درآمدهای افراد جامعه را با استفاده از ابزارهای موجود، تجزیه و تحلیل کنند. سیاست‌های دولت می‌توانند به نحوی تنظیم شوند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان و گاه برعکس شود. لذا در این مقاله به بررسی آثار سیاست های پولی بر توزیع درآمد پرداخته شده است. نتایج نشان داد که در ایران این نتایج نشان می‌دهد که هنگامی ضریب جینی و در نتیجه نابرابری کم یا زیاد باشد نرخ تورم و بیکاری تأثیر معنی‌داری بر کاهش یا افزایش نابرابری ندارد ولی سیاست پولی و تولید ناخالص داخلی هنگامی که ضریب جینی زیاد و توزیع درآمد نامتعادل است تأثیر منفی دارد. به این معنی که با افزایش تولید ناخاص داخلی باعث کاهش نابرابری خواهد شد. همچنین میزان نابرابری دوره گذشته اثر مثبت بر ضریب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

جینی دوره دارد به طوری که با افزایش یا کاهش نابرابری دوره گذشته، نابرابری دوره جاری نیز افزایش یا کاهش پیدا خواهد کرد، از این‌رو اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت افزایش توان تولید جامعه بر مبنای استفاده بیشتر از عوامل تولید داخلی به‌عنوان مهم‌ترین عامل کاهش فقر، قابل تأمل است. با اجرای سیاست‌هایی که موجب افزایش و تداوم تولید ملی شود، می‌توان انتظار داشت که درصد افرادی که فقیر محسوب می‌شوند کاهش یابد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

منابع

۱. ابونوری، اسمعیل (۱۳۷۶)، " اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران"، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱، ، ص ۱-۳۱.

۲. پروین، سهیلا و زیدی، راضیه (۱۳۸۰)، "اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (پژوهش موردی سیاست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران)"، تحقیقات اقتصادی، شماره ۱۱، دوره ۳۶، ص ۱۱۳-۱۴۶.

۳. جرجرزاده، علیرضا و اقبالی، علیرضا (۱۳۸۴)، "بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، ص ۱-۱۹.

۴. حسین‌زاده، هدایت (۱۳۹۶). تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۵، شماره ۸۲، ص ۲۳۳-۲۶۰.

۵. داوودی، پرویز و براتی، محمدعلی (۱۳۸۶)، "بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، تابستان ۱۳۸۶، دوره ۱۱، شماره ۴۳ ، ص ۲۸۳–۳۲۲.

۶. رحمانی، تیمور، پوررحیم، پروین و منشادی، محمد دهقان (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه"، پاییز ۱۳۹۱، دوره ۴، شماره ۸، ص ۱۸۱-۲۰۱

۷. سامتی، مرتضی، خانزادی، آزاد و یزدانی، مهدی (۱۳۸۸)، "اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: پژوهش‌ی موردی کشور ایران"، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، زمستان ۱۳۸۸، دوره ۶، شماره ۴، ص ۵۱-۷۲.

۸. سیفی‌پور، رویا و رضایی، محمدقاسم (۱۳۸۹)، "بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها"، پژوهشنامه مالیات، شماره دهم، ص ۱۲۱-۱۴۲.

۹. شاکری، عباس (۱۳۸۲)، کلان تئوری و سیاست‌های اقتصاد ، تألیف ویلیام اچ براتسون، تهران: نشرنی.

۱۰. عصاری آرانی، عباس، عاقلی کهنه شهری، لطفعلی، شفیعی، سعید و رسولی میر، میثم (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴۹، ص ۳۱-۴۸.

۱۱. فتاحی، شهرام، مرادی، محمد و عباس‌پور، سحر (۱۳۹۱)، "اثر باز بودن اقتصاد بر روی تورم با استفاده از رگرسیون چندک"، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره ۶، ص ۸۱-۱۰۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۱۲. کرمی، آیت‌اله و مردانی، یاسر (۱۳۹۴)، "بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران"، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۱۰۹-۱۲۳.

۱۳. کمیجانی، اکبر و محمدزاده، فریدون (۱۳۹۳)، "تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۲، شماره ۶۹، ص ۵-۲۴.

۱۴. موتمنی، مانی (۱۳۹۴)، "بررسی اثر نوسانات رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران با استفاده از رگرسیون هم-جمعی کانونی"، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۱۶۳، ۱۶۳-۱۷۹.

۱۵. نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصاد سنجی ، تهران: موسسه خدمات، فرهنگی رسا .

۱۶. نیلی، مسعود و فرح بخش، علی (۱۳۷۱)، "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، ص ۱۲۱-۱۵۴.

17. Ang, James, B (2009), "Financial Liberalization and Income Inequality", MPRA, Paper No, 14496.

18. Beck, T, Demirguc-Kunt, A, and Levine, R (2004), "Finance, Inequality and Poverty ,pp Cross-Country Evidence", workd Bank Policy Researeh Working Paper, 3338, world Bank, Washington D,C.

19. Chu, K, H, Davoodi, s, Gupta (2000), "Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries", Working paper 214, UN-WIDER.

20. Coibion O., Y. Gorodnichenko, L. Kueng and Silvia, J (2012), "Innocent Bystanders? Monetary Policy and Inequality in the U.S", IMF Working Paper,WP/12/199.

21. Davtyan, Karen (2017) , "The distributive effect of monetary policy: The top one percent makes the difference", Economic Modelling, 65, P 106-118.

22. Furceri , D, Loungani, P,. & Zdzienicka, A. (2017) , "The Effects of Monetary Policy Shocks on Inequality", IMF Working Papers 16/245, International Monetary Fund.

23. Liang, Zhicheng (2006), "Financial development and Income Distribution : A System GMM Panel Analysis With A ,pplication To Urban China", Journal Of Economic Development, Volume 31.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

24. Mumtaz, H. and Theophilopoulou, A (2016) , "The Impact of Monetary Policy on in the UK. An Empirical Analysis", European Economic Review, 2017, vol. 98, P 410-423
25. Saiki, A. and Frost, J (2014) , " How Does Unconventional Monetary Policy Affect Inequality? ",Evidence from Japan, DNB Working Paper 423.
26. Shan, J (2002), "A Macroeconometric Model of Income Disparity in China", International Economic Journal, 16(2) ,pp 47-63.
27. Tanninen, H (1999), "Income Inequality, Government Expenditures and Growth", A ,pplied Economics, 31(9) ,pp 1109-17.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]